

پیشگفتار

همه مورخان و محققان علوم اجتماعی در این باره همفکر هستند که تاریخ تمدن بشری با کشاورزی آغاز شده است. این حقیقت تا بدان پایه در ضمیر اقوام اروپایی جان گرفته که مطالعه «فقه‌الآغه» و اژده‌لاتین کولتور (Culture) که هم به معنی فرهنگ و هم به معنی کاشتن است، مؤید اشتراک وجه تسمیه کشاورزی با فرهنگ تمدن است.

ژرژ دوم — زریل (Georges Dumezil) اسطوره‌شناس برجسته فرانسوی در تحقیقات خود پیرامون اساطیر هند و اروپایی، ایرانی، رومی و یونانی توجه ما را به این نکته جلب می‌کند که همه حماسه‌ها و اساطیر باستانی، منعکس کننده تقسیم کار کهن میان اقتدار معنوی روحانیان، قدرت نظامی سپاهیان، و بارآوری اقتصادی کشاورزان بوده است. تقسیم سه گانه جامعه به طبقات سه گانه روحانی، سپاهی، کشاورزی، پایه ساختار اجتماعی عهد باستان را تشکیل داده است و بدین سان نیز در سنگ نبشته‌های باستانی ایران زمین، دروغ، تجاوز نظامی و قحطی و خشکسالی سه بلیه عظیم اجتماعی قلمداد شده که ثمره ناتوانی هر یک از طبقات سه گانه است.^۱

همچنین ویتفوگل (Wittfogel)^۲ و مایکل مان (Michael Mann)^۳ در بررسی‌های تاریخی خود، اهمیت سیستم آبیاری را در تشکیل نخستین دولتهای حاضر در ایران زمین خاطر نشان کرده‌اند. تاریخ اقتصاد و تاریخ بیدایش دولت در ایران باستان هر دو به چگونگی امر کشاورزی، نظام آبیاری و تکوین سیستم قناتها و کاریزها در ایران ارتباط دارد، با وجود این، اشتباه خواهد بود که در بررسی جایگاه کشاورزی در اقتصاد ملی به این پیشینه تاریخی بسنده کنیم و آثار آن چهار عصر تجدید یا تکوین اقتصاد بازار نامیده‌اند بر کشاورزی نادیده انگاریم.

نصل نخست

کاهش وزن کمی بخش کشاورزی در اقتصاد بازار

با گسترش روابط کالایی، پولی و مناسبات کارمزدی، جایگاه و چهره کشاورزی نیز در اقتصاد ملی تحولی عمیق یافت و در نظام سرمایه‌داری، ابتدا صنعت بر شاخه‌های دیگر از جمله کشاورزی تسلط یافت. سپس با توسعه بیشتر اقتصاد

سرمایه‌داری و ورود آن به عصر پسا صنعتی، بخش خدمات از بخش صنعت پیشی گرفت. تنزل وزن کمی کشاورزی در قیاس با دیگر شاخه‌های اقتصاد ملی را می‌توان در دو نکته خلاصه کرد: الف: کاهش جمعیت فعال کشاورزی، ب: کاهش ارزش افزوده بخش کشاورزی.

الف - کاهش جمعیت فعال در بخش کشاورزی

نخست آنکه با تسلط بخش صنعت و سپس بخش خدمات، نیروی کار فعال و شاغل در بخش کشاورزی، هر چه بیشتر و بیشتر کاهش یافته است، در همه کشورهای پیشرفته جهان، سهم نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی از سال ۱۸۲۰ یعنی تاریخ آغاز سرمایه‌داری صنعتی در انگلستان تا دهه ۹۰ سده بیستم، همواره در حال تنزل بوده، حال آنکه سهم نیروی کار فعال در بخش‌های صنعت و خدمات در همین دوره، روندی صعودی داشته است. بر اساس آمارهای جمع‌آوری شده توسط مورخ اقتصادی برجسته «آنگوس مدیسون» (Angus Maddison) سهم بخش کشاورزی در ساختار جمعیت فعال در سال ۱۹۹۲ در آمریکا ۲/۸ درصد، در فرانسه ۵/۱ درصد، در آلمان ۳/۱ درصد، در انگلستان ۲/۲ درصد و در ژاپن ۶/۴ درصد بوده است، حال آنکه این رقم در همان سال در بخش صنعت به ترتیب برای آمریکا ۲۳/۳ درصد، برای فرانسه ۲۸/۱ درصد، برای آلمان ۳۷/۸ درصد، برای انگلستان ۲۶/۲ درصد و برای ژاپن ۳۴/۶ درصد بوده است. این سهم برای بخش خدمات در آمریکا ۷۴ درصد، در فرانسه ۶۶/۸ درصد، در آلمان ۵۹/۱ درصد، در انگلستان ۷۱/۶ درصد و در ژاپن ۵۹ درصد بوده است.^۵

ب: کاهش ارزش افزوده بخش کشاورزی

با تسلط سرمایه‌داری، مقدار ارزش افزوده بخش کشاورزی به شکل چشمگیری در کل ارزش افزوده ملی تنزل یافته است، حال آنکه میزان ارزش افزوده در بخش صنعت و خدمات مرتباً بالا رفته است: از اواخر دهه ۶۰ میلادی سهم خدمات در ایجاد ارزش افزوده نیز بر سهم صنعت پیشی گرفته است. علیرغم تضعیف نقش کشاورزی به لحاظ کمی، از اهمیت کیفی نقش کشاورزی در اقتصاد ملی و در سطح جامعه بطور کلی به هیچ وجه کاسته نشده است.

جایگاه کشاورزی در اقتصاد ملی

دکتر اصغر وهابی

اهمیت کیفی بخش کشاورزی در

اقتصاد ملی و جامعه

اهمیت کیفی بخش کشاورزی را می توان در پنج بخش تشریح کرد:

الف: قیمت محصولات کشاورزی، مبنای اصلی تعیین سهم دستمزدها در درآمد ملی محصولات کشاورزی متوجه ارضای نیازهای پایه ای و عمومی شهروندان و بنابراین همه مزد و حقوق بگیران است. از این رو قیمت این محصولات یکی از عوامل پایه ای سطح دستمزدها محسوب می شود. سود کارفرمایان در بخش صنعت و خدمات تا اندازه ای به قیمت محصولات کشاورزی بستگی دارد، چرا که قیمت این محصولات با تأثیر بر سطح دستمزدها، چه مستقیم و چه غیر مستقیم میزان سود و سطح قیمت محصولات صنعتی و خدماتی را تعیین می کند. بی دلیل نیست که از زمان تکوین اقتصاد سیاسی به مثابه یک علم، اقتصاددانان برجسته ای چون «دیوید ریکاردو»^۷ و «مالتوس»^۸ بر سر قیمت غلات به مجادله پرداختند و نقش اجاره های زمین در تعیین قیمت غلات و رابطه آن با مزد کارگران، سود کارفرمایان و همچنین رانت ارضی مالکان را مورد مذاکره قرار دادند.

اهمیت محصولات کشاورزی بویژه غلات چه از دیدگاه تعیین دستمزدها و چه از دیدگاه امنیت و ثبات اجتماعی تا بدان پایه است که هیچ دولتی در جهان معاصر از قابل شدن حق اولویت برای کشاورزی در خصوص دریافت یارانه ها دوری نمی کند. لازم به یادآوری است که همان گونه که «دومینیک بورو» (Dominique Bureau) و «ژان کریستف بورو» (Jean Christophe Bureau) در گزارش خود به شورای تحلیل اقتصادی (وابسته به نخست وزیر فرانسه) اعلام می دارند، بیشترین مقدار یارانه ها در سطح اتحادیه اروپا بخش کشاورزی اختصاص یافته است.^۹

ب- محصولات کشاورزی- جهانی شدن اقتصاد و فشار رقابتی و یارانه های دولتی

یکی از نکات قابل توجیه در تحلیل جایگاه کشاورزی در اقتصاد ملی، اهمیت آن از دیدگاه صادرات و واردات و بویژه از جهت رقابت در عرصه جهانی است. با توجه به تنزل پیوسته نرخ مبادله مواد خام و محصولات غذایی در قیاس

با محصولات صنعتی و به دنبال آن کاهش قیمت نسبی محصولات کشاورزی، این بخش از اقتصاد ملی آسیب پذیری و حساسیت ویژه ای در قبال رقابت جهانی دارد.

یکی از دلایل واگذاری سهم عمده یارانه های اقتصادی به بخش کشاورزی در چارچوب اتحادیه اروپا عبارت بوده است از حمایت از کشاورزی ملی و جلوگیری از نابودی کشاورزان در رقابت های ملی و بین المللی. همچنین باید به یاد آورد که کشاورزی یکی از کانونهای اصلی تنش و اختلافها بین اروپا و آمریکا و کشورهای جهان سوم در چارچوب سازمان بازرگانی جهانی است.^{۱۰}

جهانی شدن اقتصاد که سبب تقویت فشار رقابتی در مقیاس بین المللی بوده است، بیش از همه بخش ها بر حوزه اقتصاد کشاورزی اثر گذاشته است^{۱۱} و بی سبب نیست اگر ژوزه بوو (Jose Bouve) کشاورز فرانسوی در تعارض خود به شعبه های «مک دونالد» (Mac Donald) در فرانسه، به مظهر مقاومت در برابر نفوذ فرهنگ غذایی آمریکا و جهانی شدن سرمایه تبدیل شده است. وی همان گونه که در کتاب خود موسوم به دهقان جهانی^{۱۲} اشعار می دارد، یگانه راه نجات کشاورزی را در کارزار جهانی علیه جهانی شدن سرمایه تحت سلطه آمریکا قلمداد می کند و بدین سان خواهان خروج کشاورزان از «انزوای ملی و بیوسستن به بیکاری جهانی و همبستگی بین المللی» می شود.

اهمیت ابعاد منطقه ای و بین المللی کشاورزی در ایران نیز غیر قابل انکار است. جایگاه ویژه ایران در اقتصاد خاورمیانه به ما امکانات فراوانی در خصوص صدور محصولات و صنایع کشاورزی به کشورهای عربی، آفریقایی و جمهوریهای تازه به استقلال رسیده اتحاد شوروی سابق ارزانی می دارد که غفلت از آنها نه تنها ما را از مداخله فعال در تجارت بین المللی محروم خواهد کرد، بلکه یکی از راههای اصلی خروج ما را از اقتصاد نفت پایه و گسترش صادرات غیر نفتی مسدود خواهد کرد.

ج- کشاورزی: امنیت مواد غذایی، حفظ محیط زیست و صرفه جویی های خارجی

کشاورزی و دامداری مدرن برخلاف کشاورزی و دامداری سنتی، هرچه بیشتر از وابستگی به زمین دور می شود و بر شیوه های زراعت متمرکز (Intensive Cultivation) یا کشت و دامداری سرمایه بر مبتنی است.^{۱۳} استفاده

○ سهم نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی از سال ۱۸۲۰ یعنی تاریخ آغاز سرمایه داری صنعتی در انگلستان تا دهه ۹۰ سده بیستم همواره رو به کاهش بوده است، در حالی که سهم نیروی کار فعال در بخش صنعت و خدمات طی همین مدت روند صعودی داشته است.

از کود شیمیایی ضد سموم، پرورش مصنوعی ماکیان، ماهی، دامداری متمرکز و سرمایه‌بر و غیره همگی نوعی از کشاورزی، دامداری، ماهیگیری و جنگل‌داری را توسعه داده است که بدان کشاورزی صنعتی می‌توان لقب داد.

همان‌گونه که «لستر براون» (Lester Brown) به درستی خاطر نشان می‌کند، هدف کشاورزی صنعتی، مبارزه برای افزایش بهره‌دهی در کشاورزی است،^{۱۳} با وجود این همین تلاش مدام برای افزایش بهره‌دهی، سبب تغییراتی در کیفیت خاک، تغذیه دام، ماکیان و حتی ماهیان شده و نیز منشأ دگرگونی‌های جدی در چگونگی استفاده از آب و زباله‌ها اعم از شیمیایی و ارگانیک شده است که نگرانی‌ها و ناامنی‌های بیشماری درباره سلامت مواد غذایی (اعم از حیوانی و گیاهی) به بار آورده است. بی‌گمان می‌توان ادعا کرد که در جهان معاصر، دغدغه و نگرانی مربوط به نبود امنیت غذایی در میان عموم مصرف‌کنندگان و شهروندان به همان پایه است که نگرانی آنان از رشد و اوج‌گیری خشونت یا بروز جنگ‌های منطقه‌ای در سراسر جهان. خطرهای مربوط به مواد خوراکی که از ارگانیزم‌های تغییر یافته و با استفاده از علم ژنتیک تهیه می‌شود و نیز نگرانی ناشی از مصرف گوشت «گاو دیوانه» و غیره هشدار می‌دهد به همه جهانیان در خصوص اهمیت کیفیت محصولات کشاورزی است.

در کنار معضل امنیت مواد غذایی، باید از اهمیت حفظ و حراست از محیط زیست و کیفیت هوا یاد کرد که مستقیماً به فعالیت کشاورزی بویژه کشاورزی صنعتی ارتباط می‌یابد.^{۱۵} در اصطلاح اقتصادی، کشاورزی عرصه‌ای از اقتصاد ملی است که در آن فعالیت بخش خصوصی مستقیماً متضمن نتایج اجتماعی یا صرفه‌جویی‌های خارجی مثبت یا منفی است. منظور از صرفه‌جویی‌های خارجی، آن‌گونه صرفه‌جویی است که در یک واحد اقتصادی انتفاعی بر اثر توسعه فعالیت‌های خارجی پدید می‌آید. به عنوان نمونه، اگر یک مؤسسه تولیدی در محلی واقع شده باشد که از بازار دور باشد، ولی بر اثر ساخت راه‌های جدید و وسایل حمل و نقل بتواند محصول خود را به بازار برساند، این سرمایه‌گذاری زیرساختی، سبب کاهش هزینه حمل و نقل این مؤسسه و بدین ترتیب به سود عموم استفاده‌کنندگان از جاده می‌شود. عکس این نیز صادق است، برای مثال اگر در یک محل کار، یکی از کارمندان سیگار بکشد، دیگر کارکنان

غیر سیگاری نیز از مضرات سیگار در امان نخواهند بود. به عبارت دیگر عمل فرد سیگار کش نه فقط بر سلامت خودش، بلکه بر سلامت محیط و اطرافیان وی اثر منفی می‌گذارد. کشاورزی نیز با تأثیر مستقیم بر امنیت مواد غذایی و چگونگی حفظ محیط زیست، نه تنها بر سطح درآمد و سرروشت کشاورزان اثر می‌گذارد، بلکه بر کیفیت زندگی عموم شهروندان و مصرف‌کنندگان مؤثر است.

د کشاورزی و نبود تمرکز اقتصادی و اداری در همه کشورهای آن پدیده‌ای که در پایتخت آن تمرکز بسیار شدیدی برقرار است، توسعه کشاورزی یکی از عوامل زدودن تمرکز اقتصادی و اداری بوده است. فرانسه یکی از نمونه‌های بارز این پدیده است.^{۱۶} اما گذشته از این کشور، از بسیاری کشورهای آمریکای لاتین مانند مکزیک، برزیل و آرژانتین می‌توان یاد کرد که در آنها توسعه بخش کشاورزی بعنوان یکی از راه‌های زدودن تمرکز اقتصادی و اداری مورد استفاده قرار گرفته است. اگرچه کشاورزی به تنهایی نمی‌تواند موجبات تمرکززدایی را فراهم آورد، اما خدمات بانکی، شهری و آموزشی و بهداشتی جانبی که همراه با توسعه قطب‌های کشاورزی گسترش می‌یابد، روند تمرکززدایی را تقویت می‌کند. از این رو کشاورزی را باید یکی از عوامل دانست که بطور غیرمستقیم در توسعه شهری و نیز در تعیین درجه تمرکز و تمرکززدایی اقتصادی و اداری مؤثر است.

هـ - کشاورزی، سنت‌های فرهنگی و ملی و تکوین فرهنگ شهروندی
گذشته از نقش کیفی کشاورزی از دیدگاه اقتصادی، باید از نقش کیفی آن به لحاظ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز یاد کرد، همان‌گونه که در پیشگفتار متن حاضر اشاره شد، کشاورزی منشأ تمدن و فرهنگ و حامل سنن تاریخی، فرهنگی و ملی سرزمین‌های باستانی است. بخش کشاورزی و بویژه کشاورزان را حاملان اصلی سنن، آداب و رسوم و عادات باستانی و کهن تلقی کرده‌اند. حتی از کشاورزان بعنوان مظهر محافظه‌کاری و انزوای فرهنگی نام برده شده است. به گمان من کشاورزان یکی از وارثان و حافظان سنت‌ها و عادات کهن و به این عنوان هم مظهر اصالت یک جامعه و هم مظهر ایستایی آن هستند. علیرغم روند جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ و سنت‌های ملی و باستانی هر کشور به قوت خود باقی می‌ماند. در عین حال، جهانی شدن اقتصاد از یک سو و توسعه کشاورزی، صنعتی

○ اهمیت محصولات کشاورزی بویژه غلات هم از دیدگاه تعیین دستمزدها و هم از دیدگاه امنیت و ثبات اجتماعی تا بدان حد است که هیچ دولتی در جهان از قایل شدن حق اولویت کشاورزان برای دریافت یارانه دوری نمی‌کند و بیشترین مقدار یارانه‌ها در سطح اتحادیه اروپا به بخش کشاورزی اختصاص یافته است.

سنت و تجدّد جامعه روستایی و مزد و حقوق بگیران شهری، دولت و رقابت جهانی است. ویژگی منحصر به فرد کشاورزی نیز همین جایگاه آن بعنوان يك حلقه اتصال، آشتی و تفاهم میان اجزای گوناگون و در برخی موارد متضاد اقتصاد ملی و جامعه است.

منابع

1. Dumezil Georges, *Mythe et Epopée Vols I.II. III. Preface de Joel H. Gris Ward*, Paris, Gallimard, 1995, pp. 13-14-15-16-48-49.
2. *Ibid.*, pp. 645-648.
3. Witt - Fogel Karl *Oriental Despotism* New Haven, Conn. Yale University Press, 1957.
4. Mann Michael, *The Sources of Social Power Volume 1 A History of Power From The Beginning to A. D 1760* Cambridge, Cambridge University Press, 1986.
5. Maddison Angus, *L'Economie Mondiale 1820- 1992* Paris, Centre de Developpment de L'Oced, 1995, p. 38.
6. *Ibid.*
7. Ricardo David *Principles of Political Economy, Works and Correspondence of David, Ricardo*, Sraf Edition, Cambridge, Cambridge University Press, 1951-1973, Vol. 1.
8. Malthus Thomas Robert, *an Essay on the Principle of Population*. Oxford, New York, Oxford University Press, 1993.
9. Bureau Dominique et Bureau Jean Christophe, *Agricultur et Negociations, Commerciales*. Paris, Conseil D'Analyse Economique, La Documentation Francaise, 1999.
10. Carson. C. "The Uruguay Round Agreement on Agriculture", *Ocde Workshop on Emerging Trade Issues in Agriculture*, Paris, 26-27 October 1998.
11. Commission Europeenne, "Cap Working Notes. Special Issues, Gatt and European Agriculture. Direction Generale de L'Agriculture, Bruxelles, Avril 1997.
12. Bouve' Jose' Avec La Colla Boration de Gilles Laneau, *Paysan du Monde*, Paris, Fayard, 2002.
13. Canevet Correntin, *Le Modele Agricole Breton, Histoire et Geographie, D'Une Revolution Agroalimentaire*, Rennes, Presses Universitaires de Rennes, 1992.
14. Brown, Lester, "La Bataille Pour La Productivite' en Agriculture", in Brown Lester, Flavin Christophe, et French Hilary (eds.) *L'Etat de la Planete*, Paris Economica, 1998.
15. Canevet Corretin, *op.cit.*
16. *Ibid.*

و تجاری از سوی دیگر همراه با خدمات آموزشی و بهداشتی پیوسته به آن مانند توسعه شبکه دانشگاهی در روستاها، دهقانان و جوانان روستایی را به عرصه اقتصاد ملی وارد و نقش آنان را بعنوان شهروندان صاحب حق رأی آشکار می کند. در کشورهای پیشرفته جهان، کاهش جمعیت فعال در بخش کشاورزی به لحاظ اقتصادی به هیچ وجه مترادف با وزن سیاسی و فرهنگی این بخش از جامعه نبوده است. برعکس، این بخش از جامعه از طریق گروه های ذینفع ولای های متعدد (گروه های فشار) در تصمیم های مهم سیاسی و اقتصادی در اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا سهم یافته است.

سخن پایانی

هنگامی که از جمعیت فعال در بخش کشاورزی و نقش آنان در اقتصاد، فرهنگ، سیاست و جامعه سخن می گوئیم این پرسش پیش می آید که این جمعیت شامل چه کسانی است؟ در پاسخ به این پرسش به ظاهر ساده و بدیهی معلوم می شود که تا چه اندازه با مسأله ای پیچیده روبرو هستیم.

برخلاف جوامع باستان که کشاورزان شامل رعایا و تیول داران و زمینداران می شدند، در عصر کنونی کشاورزان قشرهای بی اندازه متنوع و گوناگونی را تشکیل می دهند، افزون بر کشاورزانی که شخصاً یا به کمک نیروی کار خانواده خود به کشت، داشت و برداشت اشتغال دارند، باید از بهره برداران صنعتی کشاورزی در عرصه های گوناگون دامداری، باغداری، ماهیگیری، مواد غذایی و نیز صنایع غذایی، آبیاری و شیمیایی وابسته به کشاورزی و غیره یاد کرد که همگی، شاغلان به کار کشاورزی را تشکیل می دهند.

این پیچیدگی بویژه از دو جنبه حایز اهمیت است؛ نخست بدین لحاظ که نشانگر این است که امروزه کشاورزی با وابستگی به زمین تعریف نمی شود، دوم آنکه توسعه صنعت و روابط کالایی و تجاری در کشاورزی این شاخه اقتصاد را به صنعت و خدمات تجاری بویژه تجارت منطقه ای و بین المللی وابسته کرده است.

بدین سان تعریف این امر که کشاورز کیست، خود یکی از نخستین معضلات يك جامعه مدرن و صنعتی محسوب می شود. به هر حال گذشته از پاسخی که به این پرسش می دهیم، تردیدی نمی توان داشت که بخش کشاورزی، حلقه پیوند

○ یکی از دلایل

واگذاری سهم عمده

پارانه های اقتصادی به بخش

کشاورزی در اتحادیه

اروپا، حمایت از

کشاورزی ملی و

جلوگیری از نابودی

کشاورزان در رقابتهای ملی

و بین المللی است.

همچنین کشاورزی یکی از

کانونهای اصلی اختلافها

میان اروپا و آمریکا و

کشورهای جهان سوم در

چارچوب سازمان

بازرگانی جهانی است.